

تحلیلی آماری از شهیدان جنگ

Yadollah Karimi-Poor, Ph.D
Tehran Teacher Training University

Hassan Kamran, Ph.D
Tehran University

A Statistical Analysis About Martyrs of War

Durging the 20th century, Iran unwillingly and unreasonably, has been subjected to invasions by foreigners for three times during which all or parts of the country were occupied. However the governments and people dealt with these in completely different ways. Although these differences in part stem from political-security policies of the states, at the same time have their roots in the different ideological positions of Iranians. Throughout these periods one can see the extent to which Iranians converge on or diverge from the government ideals. One way to know about the extent of people's convergence on these ideals would be the digree of their participation and particularly their devotion to and self-sacrificing for the objectives of the government. This investigation, for the first time, has tried, through a statistical analysis on the martyrs of war and sacred eight year defense, to illustrate the extent of people's devotion in this period and present an outlook on the geography of martyrs.

KEY WORDS: Geography of martyr, war martyrs, convergence, the Islamic revolution and martyr, generic state and martyr, occupation and martyr.

خلاصه

ایران در طول سده بیست، در سه مقطع مورد هجوم ناخواسته بیگانگان قرار گرفت و طی آن تمام یا بخش‌هایی از سرزمین ملی به اشغال درآمد؛ اما نحوه رویارویی دولت و ملت ایران با تهدیدهای مذکور در این سه برهه، به کلی متفاوت بود. هرچند این تفاوت‌ها تا حدودی ریشه در فضای سیاسی امنیتی کشور داشت، اما در عین حال از دل مواضع متفاوت شهروندان در این مقاطع می‌توان به میزان واگرایی و همگرایی اتباع ایران به آرمان‌های دولت پی برد. یکی از راه‌های تشخیص میزان همگرایی مردم با این آرمان‌ها، میزان مشارکت و به ویژه فداکاری و

Archive of SID

جانفشانی آن‌ها در راه هدف‌های دولتشان است.

این پژوهش با استفاده از آمارهای مستند، برای نخستین بار در صدد برآمده است، تا ضمن تحلیلی آماری از شهیدان جنگ و دفاع هشت ساله، میزان فداکاری مردم در این برهه را به تصویر کشد و چشم‌اندازی از جغرافیای شهیدان عرضه دارد.

واژگان کلیدی: جغرافیای شهید، شهیدان جنگ، همگرایی، انقلاب و شهید، جنسیت و شهید، اشتغال و شهید.

مقدمه

از آغاز دهه شصت میلادی، هارتشورن^۱ ضمن وارد کردن پارادایم جغرافیای کارکردی یا نقش‌گرایانه به ادبیات جغرافیایی، از دو نیروی گریزنده از مرکز و متمایل شونده به مرکز سخن به میان آورد که می‌توانستند نقشی تعیین‌کننده در میزان تجانس ملی دولت - کشورها برعهده گیرند.^۲ اما هارتشورن و پس از وی استیفنز جونز^۳ و حتی گوتمن^۴، علاقه و جدیت چندانی برای ارائه شاخص‌های کمیت پذیر برای اندازه‌گیری میزان این دو نیرو نداشته‌اند.^۵

برای تشخیص و به‌ویژه محاسبه کمی نیروهای همگرایی و واگرایی اتباع دولت و مناطق جغرافیایی نسبت به اکثریت تشکیل دهنده دولت و میزان اعتقاد به آرمان‌های آن، ملاک‌های متعدد و گوناگونی می‌توان ارائه کرد. میزان ثبات و بی‌ثباتی منطقه‌ای از طریق تشخیص تعداد و تراکم بحران‌ها در طول یک دوره مشخص، نرخ شرکت در انتخابات ملی و منطقه‌ای و اصولاً تبیین کمی جغرافیای انتخابات و میزان اعتقاد و عمل به پرداخت حقوق دولت به‌ویژه مانیات، سه شاخص قابل محاسبه برای اندازه‌گیری این نیروها هستند (کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۷۶ بخش پانزدهم).

اما به اغلب احتمال جانفشانی برای پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی در جنگ با دشمن و متجاوز خارجی، قوی‌ترین و محاسبه‌پذیرترین معیار برای تشخیص و تعیین میزان همبستگی ملی و منطقه‌ای را عرضه می‌دارد. نرخ و میزان خودداری شهروندان از

1. Hartshorne

2. Hartshorne و R و ۱۹۵۰.

3. Stephen B. Jones

4. Jean Gottmann

5. Jones, S.B, 1954, P111-123.

Archive of SID

همکاری با اشغالگر به منظور فلج کردن سیستم او (شارپ، جین، ۱۳۷۲، ص ۱۳۷)، نسبت حضور غیر نظامیان به نظامیان در دفاع مشترک از کشور به هنگام جنگ، و میزان کمک‌ها و اعانه‌های اقتصادی مردم به دولت برای تقویت امور دفاعی، سه شاخص قابل اندازه‌گیری ملموس‌تر تشخیص توان واگرایی‌ها و همگرایی‌ها در شرایط بحران‌های ملی به شمار می‌روند. در عین حال برای درک دقیق‌تر میزان همگرایی، نرخ کشته‌شدگان غیر نظامی در جبهه‌ها، ملاک قابل اطمینانی است؛ زیرا حضور کمی و شکلی غیر نظامیان در دفاع به تنهایی کافی نیست و میزان کشته‌ها یا شهیدان برای ترسیم چشم‌انداز و حتی اندازه‌گیری فداکاری، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. این پژوهش درصدد برآمده است تا با استفاده از آمارهای کلی در دسترس، میزان همگرایی‌های ملی و منطقه‌ای را در طول هشت‌سال جنگ و دفاع ترسیم نماید.

روش بررسی

روش اساسی و پایه‌ای این بررسی، تحلیلی - آماری است. تقریباً کلیه آمارها و رقم‌های خام برای این پژوهش، از طریق اداره آمار بنیادشهید انقلاب اسلامی کسب شده و به نظر می‌رسد، تاکنون در هیچ نشریه تخصصی و علمی منتشر نشده است. در عین حال باید اعتراف کرد برای ترسیم دقیق‌تر چشم‌اندازهای منطقه‌ای و به طور خلاصه ترسیم جغرافیای شهادت و شهیدان، به آمار و اطلاعات بیشتری نیاز است.

سه جنگ : سه نوع برخورد

طی سده بیست، سه جنگ به ایران تحمیل شد، اما برخورد و مواضع دولت و ملت ایران با این جنگ‌ها به کلی متفاوت بود. جنگ نخست که هفت سال پس از انقلاب مشروطه و در دوران هرج و مرج، ناآرامی و بی‌ثباتی داخلی به ایران تحمیل شد، به رغم احساسات شدید مردم به ویژه در کانون‌های شهری ایران‌زمین، به دلیل نبود سازمان‌دهی و باوجود برخی مقاومت‌ها در غرب و جنوب، به جولان‌گاه روس، عثمانی، و انگلیس تبدیل شد؛ به نحوی که وقتی جنگ پایان یافت، ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی ویرانه‌ای بیش نبود (کاتوزیان، همایون، ۱۳۶۶، ص ۹۸). اما در جنگ تحمیلی دوم در شهریور ۱۳۲۰ / سپتامبر ۱۹۴۱، برخلاف جنگ اول، ایران دارای حکومت وادولتی متمرکز، آرام، باثبات و به ظاهر استوار و محکم بود. شاه حتی فرمان بسیج عمومی برای مقابله صادر کرد، اما در نهایت پس از «مقاومت چندروزه ارتش شاهنشاهی

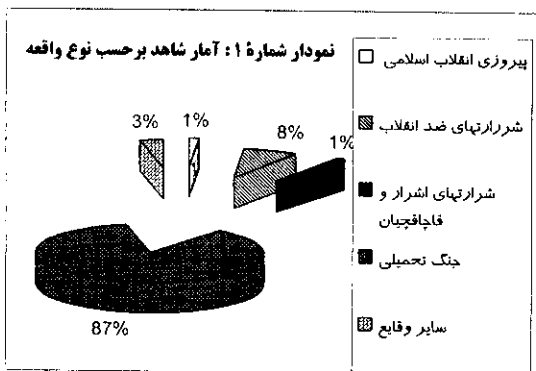
و فروپاشی و عقب‌نشینی نامنظم، دولت تسلیم شد، «گفته می‌شود که امرای ارتش با همان چادرهایی که (پوشیدن آن) ممنوع شده بود، گریختند.»^۱ (همان، ص ۱۸۸).

در واقع هنگامی که متفقین به ایران حمله کردند، نه تنها «رضاشاه تنهای تنها بود (و) کمتر انسان باارزش، اعم از نظامی و غیرنظامی، در کنارش مانده بود که به او یا حکومتش تعهدی احساس کند» (کاتوزیان، همایون، ۱۳۷۹، ص ۴۱۷)، سهل است، خروج وی از کشور باشادی و جشن و سرور مردم همراه بود (کاتوزیان، همایون، ۱۳۶۶، ص ۱۱).

اما برخورد دولت و ملت ایران با سومین جنگ متفاوت بود. فضای سیاسی - اقتصادی و نظامی ایران به هنگام هجوم همه‌جانبه عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، تقریباً همانند عصر پس از مشروطه ناآرام، بی‌ثبات و شکننده بود. یکی از فرماندهان ارشد جنگ در این زمینه می‌گوید: «نتایج این دو وضعیت یعنی بُن‌بست نظامی که حاصل شکست یک استراتژی نظامی بود و بی‌ثباتی سیاسی که حاصل عملکرد فعالانه و منسجم ضدانقلاب در داخل و با حمایت قدرت‌های خارجی بود، تمام حیات و بقای نظام را تهدید می‌کرد» (رشید، غلامعلی، ۱۳۷۵، ص ۲۵). حتی برخی وقوع جنگ را عامل نجات دولت اسلامی تصور می‌کنند؛ «به زحمت می‌توان دانست که اگر جنگ خارجی دیرپا پیش نمی‌آمد، و قدرت انحصاری دولت اسلامی را تثبیت نمی‌کرد، هرج و مرج و کشمکش‌های ویران‌گرایانه پس از پیروزی انقلاب به کجا می‌انجامید». (کاتوزیان، همایون، ۱۳۷۹، ص ۳۲). در عین حال، عکس این نظر هم در مورد جنگ ارائه شده است؛ سرلشکر محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران معتقد است که وقوع جنگ نتیجه انقلاب بود: «شاید بتوان گفت، انقلاب در بروز جنگ مؤثر بود و شاید اگر انقلاب نمی‌شد، جنگ هم نمی‌شد» (سیاست دفاعی، ۱۳۷۵، ص ۱۰).

با وجود این اظهارنظرهای متفاوت و فارغ از نتایج، فرآیند و عوامل مؤثر درونی و بیرونی در شکل‌گیری جنگ، برای نخستین بار در سده بیست بود که ایران توانست جنگی ۹۵ ماهه را تحمل کند و مهم‌تر این که برای نخستین بار در سرنوشت جنگی که به وی تحمیل شده بود، نقش فعال و حتی محوری داشت. این نقش‌آفرینی بیش و پیش از آن که نتیجه سازمان‌دهی دقیق نیروها یا به‌کارگیری سلاح و فناوری مدرن باشد، همان‌گونه که مفسران غربی نیز بارها تکرار کرده‌اند، نتیجه استفاده از امواج انسانی بود. پراکنش جغرافیایی شهیدان جنگ، حاکی از آن است که تقریباً تمام مردم ایران کار دفاع را به عنوان مسئولیتی حیاتی پذیرفته بودند.

براساس نمودار ۱، از مجموع ۲۱۷۴۸۹ نفر شهید دارای پرونده در بنیاد، شهادت تنها ۲۸۳۸ نفر یا تنها ۱/۳٪ مربوط به حوادث پیش از پیروزی انقلاب و ۲۱۴۶۵۱ نفر یا ۹۸/۷٪ مربوط به حوادث پس از انقلاب است. از این تعداد، ۱۷۲۰۵۶ نفر یا بیش از ۸۰ درصد ضمن درگیری با دشمن به شهادت رسیدند. این نمودار حاوی چند پیام است:



نمودار ۱ آمار شاهد برحسب نوع واقعه

۱- چنانچه رقم ۲۸۳۸ نفر شهید مرتبط با حوادث پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از ۱۵ خرداد بدین سو درست باشد، آمارهای ارائه شده در مورد کشتارهای مردم پیش از پیروزی انقلاب مورد تردید قرار می‌گیرد؛ به عنوان نمونه کاتوزیان بدون ارایه مآخذی قابل قبول، تنها تعداد کشته‌شدگان جریان پانزده خرداد را بالغ بر چند هزار نفر دانسته است. این نویسنده حتی رقم ۶۰۰۰ نفر را نیز در این مورد ذکر کرده است (کاتوزیان، همایون، ۱۳۶۸، ص ۱۲۲).

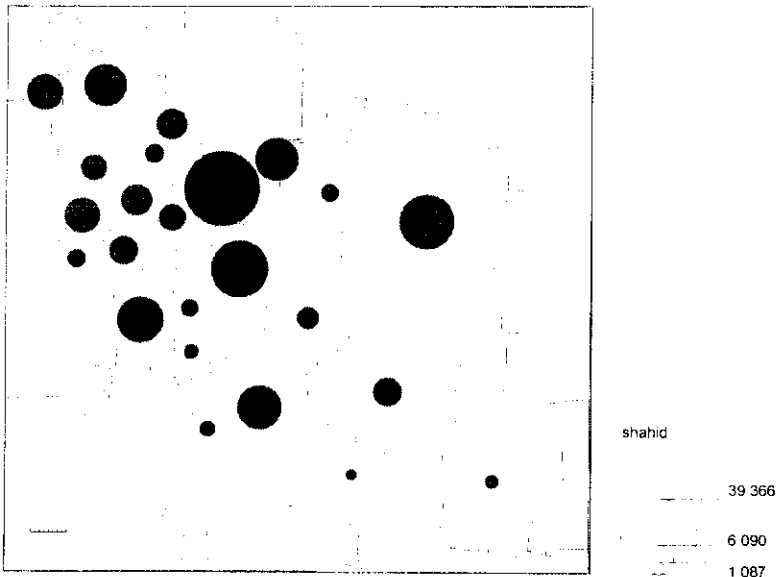
۲- انقلاب و نتیجه آن یعنی جمهوری اسلامی که با هر دلیل و توجیهی زمینه‌ای برای ۹۸/۷ درصد شهادت‌ها بوده است، باید پاسخ عملی متناسبی برای این ضایعات بزرگ انسانی مهیا سازد.

۳- ۱۸۸۰۱۵ نفر یا ۸۴/۴ درصد کل شهیدان، مرتبط با جنگ تحمیلی بوده است که از این میان ۱۹۱/۶ درصد آن مربوط به درگیری با دشمن و تنها ۸/۴ آن مرتبط با تلفات ناشی از بمباران شهرها بوده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، بخش اصلی ۱۶۹۸۶ نفری که در اثر

نمودار شماره ۲ و نقشه‌های مکمل آن، حاوی چند پیام است:

۱- استان‌ها به اعتبار تعداد شهید و بدون توجه به نسبت جمعیتی‌شان در ۷ گروه قرار می‌گیرند. گروه ششم و هفتم شامل استان‌های همدان، تهران، خراسان، فارس، اصفهان، خوزستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و مازندران، فاصله بسیار زیادی با گروه‌های اول تا پنجم از نظر تعداد شهدا دارند. به نظر می‌رسد این تفاوت عمیق تا حدود زیادی تحت تأثیر میزان جمعیت استان‌های مذکور با دیگر استان‌ها باشد.

۲- تمام استان‌های کشور، با توجه به نسبت جمعیتی در کل کشور، دوری و نزدیکی از جبهه‌ها، دوری و نزدیکی از قلمرو مؤثر بُرد موشک‌ها و بمباران‌های هوایی و سایر عوامل، از نظر تعداد شهیدان نسبتی تقریباً متعادل داشته‌اند.



(20/5/102) (10:51:5) - f:\kiran\service\to\shahid.txt
Quantiles

نقشه ۱ پراکنش جغرافیایی شهیدان

۳- شهیدان استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خوزستان، لرستان، مازندران، اصفهان، یزد، فارس، قم، مرکزی، سمنان و همدان، بیش از نسبت جمعیت این استان‌ها در کشور بوده است؛ اما فاصله ۱۴ استان دیگر با این استان‌ها بسیار اندک تا اندک است.

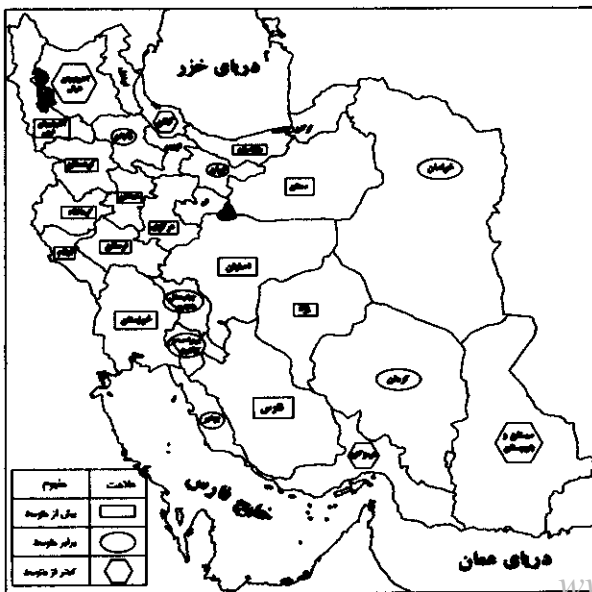
نزدیکی به مرز و جبهه‌های جنگ، در تیررس بودن بیشتر این استان‌ها از نظر بمباران هوایی و بُرد موشک‌ها، و نیاز فوری جبهه‌ها به اعزام سریع نیرو می‌تواند عوامل مؤثری در بالا بودن نسبت شهیدان این استان‌ها باشند.

۴- استان‌های اصفهان، قم، سمنان، کرمانشاه و همدان به ترتیب به نسبت درصد جمعیتشان در کشور، دارای بیشترین تعداد شهید بین ۲۸ استان بوده‌اند. این نسبت‌ها به ترتیب ۱/۶، ۱/۴، ۱/۴۲، ۱/۴۱، و ۱/۱۸ است.^۲ به نظر می‌رسد، علاوه بر موقعیت جغرافیایی، اعتقادات قدرتمند مذهبی نیز در این مسأله بی‌تأثیر نبوده است.

شهیدان و اشتغال

نمودار ۴، آمار شهیدان را برحسب وضعیت اشتغال نشان می‌دهد. این نمودار حاوی چند پیام مهم در ارتباط با مردمی بودن دفاع هشت‌ساله است:

۱- گرچه تمام قشرها و طبقات اجتماعی در دفاع مشارکت داشته‌اند، اما ۵۲/۹٪ از شهیدان مربوط به بخش دولتی‌اند. شهیدان نظامی مهم‌ترین عامل بالا بودن درصد شهیدان در این ردیف است.



نقشه ۲ نسبت جمعیت شهیدان به جمعیت استان‌ها

Archive of SID

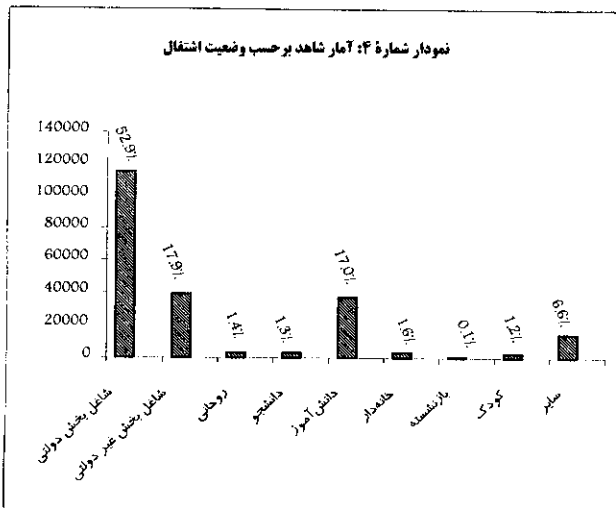
۲- تعداد شهیدان دانشجو و روحانی نزدیک به یکدیگر است، اما ۳۶۸۹۸ شهید دانش آموز ۱۶/۹٪ از کل شهیدان را بین طبقات اجتماعی از نظر تعداد شهیدان در اختیار دارند؛

۳- حدود ۲۳ شهیدان را شاغلان تشکیل می دهند؛ اگر شهیدان روحانی، دانشجو و دانش آموز و خانه دار به این مجموعه اضافه شود، تنها حداکثر ۸٪ شهیدان در هیچ گروه شغلی جای نمی گیرند؛

۴- وجود ۱۵۰۳ کودک شهید که ۲/۱ درصد از کل شهیدان را تشکیل می دهد نسبت بسیار بالایی است. چنان که در جنگ دوم این نسبت در بریتانیا و فرانسه زیر ۴ درصد بود. در عین حال همان گونه که نمودار ۴ نشان می دهد این نسبت ۱/۹ درصد است نه ۱/۲ درصد.

نمودار ۵ آمار شهیدان را در گروه های مختلف سنی نشان می دهد. این نمودار نیز در برگیرنده چند پیام اصلی است:

۱- گرچه حدود ۸۰ درصد شهیدان در گروه سنی ۳۵-۳۱۶ قرار می گیرند؛ اما ۴۲/۳٪ آنها مربوط به گروه سنی ۲۰-۱۶ است؛ این رقم حاکی از آن است که علاوه بر ۱۶/۹ از شهیدان دانش آموز، بیشتر دانشجویان و طلبه های شهید نیز در همین گروه سنی جای داشته اند؛ اما در عین حال، این رقم و درصد با نمودار شماره ۴ همخوانی ندارد.

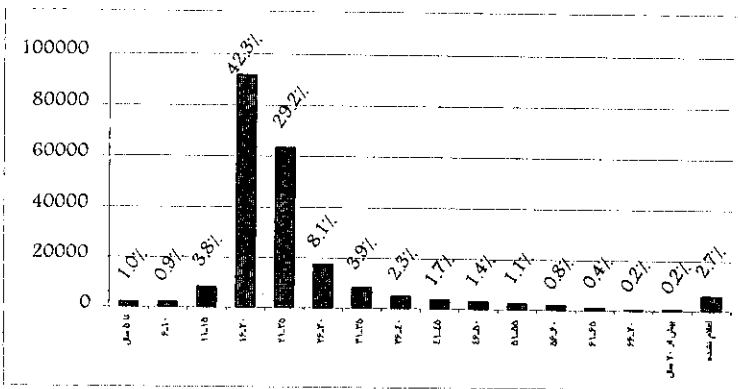


Archive of SID

۲- هم چنین رقم ۸۱۸ شهید در گروه سنی ۶۶ ساله و بالاتر، با رقم ۳۰۰ بازنشسته شهید مطابقت نمی‌کند؛ چنانچه همین مغایرت نیز در مورد تعداد شهیدان کودک مشاهده می‌شود؛

شهیدان، جنسیت و تأهل

براساس نمودار ۶، ۹۷/۷٪ از شهیدان مذکر و ۲/۹ یعنی حدود ۶۴۲۷ نفر، مؤنث بوده‌اند. تفاوت فاحش بین این دو نسبت، نشان دهنده تراکم قدرت آتش در جبهه‌ها و ناچیز بودن یا کم‌اهمیت بودن بمباران‌ها است. در واقع تفاوت بارز نرخ شهیدان در جبهه‌ها و عقبه، مقایسه جنگ ایران - عراق با جنگ جهانی اول را آسان‌تر می‌سازد.^۴ در عین حال وجود نسبت ۳/۲۹ شهیدان متأهل در بالا رفتن نرخ تکفل در مقیاس ملی مؤثر بوده است.

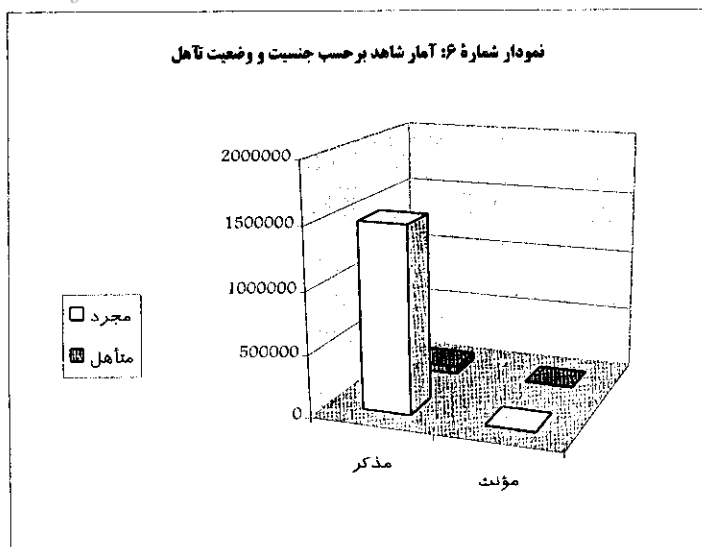


نمودار ۵ نسبت سنی شهیدان

نتیجه‌گیری

براساس آمار و ارقام مذکور، فاصله زمانی بین ۱۳۶۸-۱۳۵۹ (۱۹۸۹-۱۹۸۱) در سده بیست، از منظر گرایش و همگرایی شهروندان با آرمان‌های دولت مرکزی در قبال تهدید خارجی، باید مؤثرترین سال‌ها قلمداد شوند؛ زیرا:

۱- برای نخستین بار در طول این سده، ملت ایران در جنگی هشت ساله، حاضر شد برای دفاع از آرمان‌های دولتش، حداقل ۲/۳٪ از جوانان مذکر خود را فدا نماید. چنانچه در طول ۹۴ ماه جنگ، به طور میانگین هر ماهه ۲۲۷۲ نفر به شهادت رسیدند؛



نمودار ۶ آمار شاهد بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

۲- این نخستین بار در سده بیست و به اغلب احتمال در تمام تاریخ ایران بود که تمام مناطق کشور و کلیه استان‌ها، شهرستان‌ها و حتی بخش‌ها، بدون استثنا در دفاع از سرزمین ملی شرکت می‌کردند. چنان‌که بنا به آمارهای در دسترس، تمام ۲۸ استان کشور ۲۸۲ شهرستان، ۷۴۱ بخش و ۷۱۸ مرکز شهری کشور (فراهی، محترم، ۱۳۷۷)، دارای شهید بوده‌اند. جمله «به شهر شهیدپرور..... خوش آمدید» که در ابتدای تقریباً تمام کانون‌های شهری ایران بر روی تابلوهای ورودی به چشم می‌خورد، نماد و در عین حال سندی بر جغرافیای ملی شهیدان است.

۳- هر چند بیشترین تراکم شهیدان به طور طبیعی در فاصله سنی ۱۶-۳۵ ساله مشاهده می‌شود، اما براساس آمارهای موجود، تمام گروه‌های سنی از یک روزه تا حداقل ۸۲ ساله بین شهیدان به چشم می‌خورند. هم چنین تمام قشرها و گروه‌های شغلی از کارکنان دولتی و خصوصی تا دانش‌آموزان، دانشگاهیان و دانشجویان، روحانیان، کارگران، کسبه و بازاریان، افراد خانه‌دار، بازنشسته و کودک و متأهل و مجرد در دفاع شرکت کرده و شهید داده‌اند. با این توصیف، به اغلب احتمال اوج مشارکت مردم در بحرانی ملی طی سده بیست را باید در دوره هشت ساله دفاع مشاهده نمود. این دوره کمک زیادی به تداوم شکل‌گیری ملت ایران و در نتیجه تقویت همگرایی و تضعیف نیروی واگرایی در کشور کرد.